باسمه تعالی

شناسنامه کتب خطی

مقام معظم رهبری حضرت آیت الله خامنه ای مدظله العالی

عنوان	مح، بدیع شنید		
مولف متن	محمدعلی رفعت بن عتیق الله خان حسینی واسطی		
شارح			
محشی			
مترجم		شماره اموالی	۴۱۱۷۸
موضوع	عرفان	تاریخ تألیف	
		تاریخ تحریر	قرن ۱۳ ق
کاتب		زبان	فارسی
نوع خط	نستعلیق	طول عرض	
عدد اوراق		کاغذ	نخودی آهار مهره هندی
تعداد سطر	۱۲	جلد	تیماج عنابی
تاریخ ارسال	دی ماه ۱۳۸۸	شماره خصوصی	
ملاحظات			

تنظیم کننده:

بسم الله الرحمن الرحیم

الحمد لله رب العالمین والصلوة علی رسوله سید المرسلین وآله
الطاهرین وصحبه الاکرمین اما بعد دانه چینی خرمن درویشان
وبنده کمترین ایشان محمد علی رفعت بن عتیق الله خان الحسینی
الواسطی تغمده الله بالغفران این نکته چند سودمند برای خاطر
عزیز ارجمند فرزند برومند میر صاحب دلبندی نگاشته و آنرا
باید شنید می باید اگر فرصت دست دهد و توفیق رفیق باشد
گاه گاهی بهر شام و پگاهی ازین رساله بر خواند سطری چند بخواند
و نظری بر آن دارد و در پیش دل بر آن نگشاید که این برق خرمن
سوز غفلت و شمع شبستان عبرت است بیت چشمت نگران و دل
بخواب است در دست چه شد اگر کتاب است بیت اما ازین برق خرمن سوز

وافی را

وافی وازین شمع لمعه کافیست باید که بقدر حاجت ازان بر
گیری و گاهی از صومعتی و زنشوی بیت هوشیاران نشئه راه
بر سنگ است یکقدم زین دگذر فرسنگهاست بیت مبادا شرری
ازین خرمن در انجمن آید و شعله ازان بفانوسی رسد مثنوی
اگر صاحبدلی در دل گذر کن بچشم دل بروی دل نظر کن بیت
دل را چه روی پاک داده نه آن رو کان خمیر از خاک داده
بیا بنشین بخلوت خانه دل مقام حق بود کاشانه دل بیت
آئینه دار روی جلوات کجا از آب و گل آید چنین کار باید شنید
که سلطان حقیقی و جهانبان تحقیقی حاکم نفس را باید لشکر حواس
عشره جهت اصلاح ملک دل و انتظام عالم آب و گل گماشته
و آن را بر آن لشکر مسلط کرده است تا هر یکی را ازان جوارح که تابع

که قبولیت ایزدی را طاعت ظاهری نیز شرط نیست ورد او بگناه
للانه فی عبس و تولی ان جاءه الاعمی که من نمیدانم رضای
دوست را زانکه می بینیم جرم و دوست را باید شنید که خوف الهی
سلاح مورث کشتن باطن است و موجب آشتی و اما من خاف مقام
ربه و نهی النفس عن الهوی فان الجنة هی المأوی و امیدواری
سبب رستگاری و دوای بیماریست لا تقنطوا من رحمة الله مثنوی
گه بر دم اژدها میکنم جای گه بر گل و لاله مینهم پای ترسان و امیدوار هستم
پیوسته درین دو کار هستم زاد ره معرفت همین است فاصل بهشت
و دوزخ این است باید شنید که پاکان باطن را بناپاکی ظاهر چه کار
و پاکان ظاهر را بناپاکی باطن احتیاج بسیار نظم نشستی درست فر
باو دل نشستی که دور تهار آری و گل نشستی دل از ناپاکی باطل

بجو

چو پاکیست اگر ناپاک شد دست چه باکست باید شنید که تواضع
از و استاد نیست و آن بر سه قسم است تواضع او و تواضع دوستان
او و تواضع دین او و تواضع او آنست که حکم او را گردن
چون نهد داری و در یاد او حاضر باشی و تواضع دین او آنست که
عقل خود را در مصالح امر و نهی او راه ندهی حق دشمن و حق
خود نبوشی و تواضع دوستان او آنست که قدر آنها که قدر
خویش افزون داری و در حق ایشان ظن فاسد نکنی عباد
الرحمن الذین یمشون علی الارض هونا باید شنید که چون گنهکار
به مغفرت است محمد علی را امید از معصیت هرگاه طاعت
او میکنم خود را ادا یکی از حقوق نعمای نامتناهی تنها و کی می بینم
و چون گناه میکنم مستحق رحمت میشوم مثنوی هر لحظه ندامت است ما را

هر وقت قیامت است ما را عاصی بجهان اگر نبودی غفران
تو جلوه گر نبودی تمام شد رساله باید شنید بفضل الله الحمید